

# خدمات دکتر احمد اشرف به حرفه مددکاری اجتماعی در ایران

عزت‌الله سام آرام

استاد دانشگاه علامه طباطبایی

در سال ۱۳۳۷ و همزمان با تأسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، یک مدرسه حرفه‌ای با عنوان "آموزشگاه خدمات اجتماعی تهران" تشکیل شد که هدف آن تربیت مددکار اجتماعی در سطح فوق‌دیپلم بود. فارغ‌التحصیلان این آموزشگاه عمدتاً در مؤسساتی مثل بیمارستان‌های عمومی، بیمارستان‌های روانی، پرورشگاه‌ها، اردوهای کار و مدارس، در مقام مددکار اجتماعی، خدمت می‌کردند.

در سال ۱۳۴۴، دوره فوق‌دیپلم مددکاری اجتماعی به سطح دوره لیسانس ارتقا یافت. در این دوره، علاوه بر دروس عمومی، تعداد دروس پایه و تخصصی هم افزایش یافت که عمدتاً در حوزه روان‌شناسی بودند، مثل روان‌شناسی کودک و نوجوان، روان‌شناسی پیری، مقدمات روان‌پزشکی، مشاوره، و روان‌شناسی اجتماعی. دروسی مثل مبانی حقوق، حقوق کودک و خانواده، حقوق کار، آمار و روش تحقیق هم تدریس می‌شد. در بخش دروس تخصصی

Ezatollah Samaram, "Ahmad Ashraf's Contribution to Social Work in Iran," *Iran Namag*, Volume 5, Number 4 (Winter 2021), 165-171.

عزت‌الله سام آرام <e\_samaram@yahoo.com> استاد دانشگاه علامه طباطبایی است. برخی از آثار ایشان عبارت‌اند از مددکاری اجتماعی، مددکاری اجتماعی با تأکید بر محیط‌های کارگری، فقر عاطفی در خانواده و نظریه‌های مددکاری اجتماعی.

هم مددکاری اجتماعی فردی (Case Work)، مددکاری اجتماعی گروهی (Group Work) و مددکاری اجتماعی جامعه‌ای (Community Work) تدریس می‌شد. کارورزی‌ها هم در همان مؤسسات قبلی عمدتاً با روش مددکاری اجتماعی فردی صورت می‌گرفتند. در آن زمان، مددکاران اجتماعی در گروه‌های کمک‌رسانی و درمانی عمدتاً نقشی تسهیل‌کننده و حمایت‌کننده داشتند و هدف هم رسیدن مددجویان به سلامت جسمی و روانی و برگشت مددجو به تعادل قبلی در زندگی خانوادگی و شغلی بود.

در حقیقت می‌توان گفت که تا قبل از سال ۱۳۴۶، طراحی دوره مددکاری اجتماعی چنان بود که تصور می‌شد این رشته نوعی روان‌شناسی کاربردی است. علت آن هم احتمالاً ناشناخته بودن علم جامعه‌شناسی در ایران بود. از مهر ۱۳۴۶ که دکتر احمد اشرف در مقام استاد جامعه‌شناسی وارد آموزشگاه خدمات اجتماعی شدند، برنامه‌های درسی و کارورزی‌ها در دوره‌های رشته مددکاری اجتماعی دچار تغییرات اساسی شد: تعداد دروس جامعه‌شناسی افزایش یافت و حوزه‌های کارورزی هم از منظر جامعه‌شناختی تعریف شدند. دکتر احمد اشرف مسیر حرکت حرفه مددکاری اجتماعی را که تا آن زمان محورش روان‌شناسی بود، به مسیری تغییر جهت داد که محور آن جامعه‌شناسی بود. همین تغییر موجب شد که اولاً، حرفه مددکاری اجتماعی در مسیر درست خودش قرار گیرد و ثانیاً، فرصت‌های شغلی وسیع‌تری برای مددکاران اجتماعی پدید آید.

رئیس وقت آموزشگاه خدمات اجتماعی، خانم ستاره فرمانمائی‌ان، از این تغییرات با عنوان "تحولی عظیم در حرفه مددکاری اجتماعی" یاد کرد، "تحولی ساختاری و تحولی محتوایی؛" و از دکتر احمد اشرف با عنوان عامل اصلی این تحول نام برد.

از همان سال ۱۳۴۶، علاوه بر درس مبانی جامعه‌شناسی—که از قبل بود—دروس جامعه‌شناسی شهری و روستایی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی معاصر، کج‌رفتاری‌های اجتماعی، طبقات اجتماعی، و جامعه‌شناسی برای مددکاران اجتماعی به دروس اصلی و تخصصی دوره لیسانس رشته مددکاری اجتماعی اضافه شد. در فهرست مطالب درس نظریه‌های جامعه‌شناسی، برای اولین بار دکتر احمد اشرف نظریه‌های رادیکال جامعه‌شناسی را تدریس کرد و مددکاری اجتماعی توسعه بر مبنای نظریه‌های رادیکال مورد تحقیق قرار گرفت. همچنین، مفاهیم جدیدی مثل رفاه اجتماعی و سلامت اجتماعی نیز به فهرست مطالب دروس مددکاری

اجتماعی وارد شدند. در برنامه کارورزی‌های دانشجویان هم علاوه بر کار با فرد، کار با گروه و کار با جامعه اضافه شد. طراحی پایان‌نامه‌های دانشجویان که تا آن زمان عمدتاً گزارش خدمات تسهیل‌گری مرتبط با کارورزی دانشجویان بود، متأثر از همین تغییرات بیشتر در حوزه‌های اجتماعی و مسائل اجتماعی طراحی و اجرا شدند که از آن جمله‌اند مسائل اجتماعی گروه‌های آسیب‌پذیر، کودکان، زنان، کارگران، زندانیان، معلولان، روستاییان، حاشیه‌نشینان، معتادان، زنان خیابانی و مانند اینها. بخش کارورزی هم به سه بخش شهری، روستایی و آسیب‌های اجتماعی تقسیم شد. حوزه‌های کارورزی هم بسیار گسترش یافتند و فضاهای اجتماعی بیشتری فراهم شد، از جمله دادگاه‌ها، زندان‌ها، کارخانه‌ها، اورژانس، و سازمان‌های مرتبط با مسائل اجتماعی گروه‌های خاص مثل کودکان، جوانان، زنان، و سالمندان.

روش کار در حرفه مددکاری اجتماعی از قادرسازی به توانمندسازی اجتماعی تغییر کرد و مراحل سه‌گانه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی شامل مداخله پیشگیرانه قبل از بروز مشکل، مداخله برای درمان، و مداخله برای کاهش خسارات مورد توجه قرار گرفت و همین مراحل در بحران‌های اجتماعی مرتبط با حوادثی طبیعی مثل زلزله هم به کار گرفته شدند. اولین مورد بحران‌های اجتماعی ناشی از زلزله گناباد در شهریور ۱۳۴۷ بود که تا چند سال بعد از آن، مددکاران اجتماعی و دانشجویان آموزشگاه خدمات اجتماعی برنامه‌های کاهش خسارات آن را ادامه دادند و از تجربیات حاصل در زلزله‌های بعد هم استفاده شد.

مجموعه این تحولات موجب شد که به مرور حرفه مددکاری اجتماعی به نوعی "مهندسی اجتماعی" تبدیل شود و با فاصله گرفتن از مجموعه رشته‌های علوم روان‌شناسی، در مجموعه رشته‌های علوم اجتماعی هویتی مستقل پیدا کند. از سوی دیگر، حرفه مددکاری اجتماعی با تأکید بر مفهوم "سلامت اجتماعی" که دکتر احمد اشرف مطرح کرد، وظیفه‌ای کلان را در جامعه بر عهده گرفت.

در آن زمان، دکتر احمد اشرف صحبت از مفهومی کرد که سازمان بهداشت جهانی (WHO) برای اولین بار در سال ۱۹۴۸ م در ژنو مطرح کرده بود: تعریف جدیدی از سلامت. ایشان در کلاس درس جامعه‌شناسی برای مددکاران اجتماعی، از دانشجویان پرسید: "سلامت یعنی چه؟" هرکس جوابی داد، از جمله سالم بودن بدن، عدم بیماری، عدم جنون، عدم معلولیت، سپس، استاد کنار تابلو کلاس رفتند و تعریف سال ۱۹۴۸ سازمان بهداشت جهانی از سلامت را روی تابلو نوشتند: "سلامت

عبارت است از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی، و نه فقط بیمار یا معلول نبودن.“ درک این تعریف برای ما دانشجویان مددکاری اجتماعی در آن زمان بس مشکل بود. تعریف را تشریح کرد و آن گاه که همه متوجه شدیم، گفت که اگر پزشکان مسئول سلامت جسمی جامعه هستند و اگر روان‌شناسان و روان‌پزشکان مسئول سلامت روانی جامعه، شما مددکاران اجتماعی هم مسئول سلامت اجتماعی جامعه هستید و به این علت است که باید جامعه‌شناسی را خوب یاد بگیرید تا در عمل وظیفه توسعه سلامت اجتماعی فرد، خانواده و جامعه را با روش علمی انجام دهید. به عبارت دیگر، مددکاری اجتماعی یعنی “جامعه‌شناسی کاربردی” با هدف توسعه “سلامت اجتماعی” در جامعه.

مطالب دکتر احمد اشرف در کلاس‌های جامعه‌شناسی برای دانشجویان به صورت عجیبی جذاب و جالب بود! کلاس‌های ایشان به علت حضور بیش از حد دانشجو معمولاً در سالن آموزشگاه تشکیل می‌شد، زیرا غیر از دانشجویانی که برای کلاس ایشان ثبت‌نام کرده بودند، دانشجویان دیگری هم از سایر کلاس‌ها و گاه از سایر دانشگاه‌ها هم در کلاس ایشان حضور می‌یافتند. در حقیقت، کلاس‌های دکتر اشرف همیشه مملو از دانشجو بود. بعد از کلاس هم بسیاری از دانشجویان دور استاد حلقه می‌زدند و در محوطه آموزشگاه، در راهروها و حتی در رستوران دور و بر این استاد جوان کارآموده و مبتکر و باسواد مملو از دانشجویان بود!

ویژگی مهم دکتر احمد اشرف از نظر علمی این بود که ایشان علاوه بر جامعه‌شناسی غربی، بر جامعه‌شناسی ایرانی و اسلامی هم مسلط بودند و به همین سبب بود که برای توسعه دانش و روش حرفه مددکاری اجتماعی در ایران راهبردهای جامعه‌شناختی تلفیقی و ترکیبی را عرضه می‌کردند.

کتاب‌های دکتر احمد اشرف همگی مرجع قابل اعتمادی برای نویسندگان و استادان بعد از او بودند؛ به‌ویژه کتاب *کثرت‌فشاری، مسائل انسانی و آسیب‌شناسی اجتماعی* ایشان که آموزشگاه خدمات اجتماعی آن را در ۱۳۳۵ منتشر کرد و هنوز هم از آن در کلاس‌های آسیب‌شناسی اجتماعی همه دانشگاه‌های علوم انسانی ایران به منزله مرجع اصلی استفاده می‌شود. بنابراین، توضیح کوتاهی درباره محتوای این کتاب را واجب می‌دانم.

این کتاب در واقع مجموعه‌ای بود از سه گفتار درسی که در هفت فصل تدوین شده بود. ایشان این کتاب را در دوره فوق‌لیسانس آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی تدریس

می‌کردند و چندی بعد، برای دو ترم در درس آسیب‌شناسی اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران هم درس می‌گفتند. هدف دکتر اشرف از تدوین این برنامه درسی آن بود که مددکاران اجتماعی را که عمدتاً با طبقه محروم جامعه سروکار دارند با خصوصیات اجتماعی طبقات محروم در زمینه امکانات و بخت‌هایی که در زندگی دارند آشنا سازند. در واقع، به سبب فقدان همین بخت و اقبال بوده است که آنان دارای خلیقات و روحیاتی شده‌اند که سبب آن موقعیت اجتماعی‌شان بوده است و نه عیب و نقص خدادادی آنها یا اینکه در فرهنگ فقر بار آمده‌اند، بلکه علت آن بوده است که آنان مجبور بوده‌اند به سبب موقعیتی که در آن گرفتار شده بودند به دنبال همسازی با فقر بروند. بنابراین، گفتار نخست را به مسائل نظری در نظریه‌های نظم اجتماعی و نظریه‌های انتقاد اجتماعی اختصاص دادند و دو مکتب اجتماعی را از نظر زمینه‌های آرمانی، زمینه‌های تاریخی، زمینه‌های فلسفی، مفاهیم جامعه و سرشت انسان، شیوه‌های تبیین علمی و برداشت‌هایی مربوط به مسائل اجتماعی و راه حل‌های آن سخن گفته‌اند.

دکتر اشرف در گفتار دوم به مسائل اساسی انسانی از نظر توزیع نابرابر منابع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پرداخته است. این گفتار خود از مجموعه سه فصل فراهم آمده است. در فصل دوم، علل پیدایش نابرابری‌های طبقاتی از دیدگاه نظریه‌های نظم اجتماعی بررسی شده است. این برداشت‌ها با دیدی و رای تاریخی به نابرابری‌های طبقاتی پرداخته و این پدیدار انسانی را یا به سبب نابرابری‌های زیستی انسان‌ها یا به موجب نیازهای اجتماعی توجیه می‌کنند و چنین باور دارند که از نابرابری‌های طبقاتی گریزی و گزیری نیست.

دکتر اشرف در فصل سوم از علل تاریخی نابرابری‌های طبقاتی از دیدگاه نظریه کشاکش میان‌گروهی و نظریه کشاکش درون‌گروهی سخن گفته‌اند. این برداشت‌ها نابرابری‌های طبقاتی را پدیداری تاریخی در نظر می‌آورند که در دوره‌های خاص تاریخی در جامعه انسانی پدید آمده است.

در فصل چهارم، نظریه‌های فرهنگ فقر و همسازی با فقر را بررسی کرده‌اند که در آن زمان بر خورده‌های نظری بسیاری را برانگیخته بود. نظریه فرهنگ فقر سبب اساسی فقر را انتقال ارزش‌های فرهنگی از نسلی به نسلی دیگر می‌داند، حال آنکه نظریه همسازی با فقر سبب اساسی خوی و منش و رفتارهای مردمان فقیر را در همسازی آنان با نظام اجتماعی و نابرابری‌های طبقاتی جستجو می‌کند.

دکتر اشرف در گفتار سوم به کژرفتاری و بزهکاری پرداخته و علل این پدیده‌ها را از دیدگاه نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بررسی می‌کند. در فصل پنجم، دکتر اشرف درباره‌ی برخی از نظریه‌های ایرانی و اسلامی در زمینه کژرفتاری سخن گفته‌اند. گذشته از این فصل، در فصل‌های اول و دوم و سوم نیز به نظریه‌های ایرانی در زمینه برداشت‌های دوگانه و نابرابری‌های طبقاتی اشاره کرده‌اند تا دانشجویان با میراث فرهنگی خویش در سیر اندیشه‌های اجتماعی نیز آگاهی پیدا کنند.

یکی از هدف‌های اساسی دکتر اشرف در این مجموعه آن بوده است که دانشجویان نه فقط با نظریه‌های مربوط به کژرفتاری و آسیب‌شناسی اجتماعی آشنا شوند، بلکه از این راه با انواع گوناگون نظریه‌های جامعه‌شناختی نیز آشنایی پیدا کنند و بدین گونه، کمبودهایی را که در زمینه مباحث نظری دارند جبران کنند. از این رو، در فصل‌های ششم و هفتم از انواع گوناگون نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی کژرفتاری سخن گفته و همه این نظریه‌ها را به صورت منظم و در پرتو تجزیه و تحلیل‌های نظری، که در فصل اول آورده‌اند، نقد و تحلیل کرده‌اند.

دکتر اشرف در فصل ششم از برداشت‌های روان‌شناختی در زمینه کژرفتاری سخن رانده‌اند. این برداشت‌ها دو بخش اساسی را در بر می‌گیرند: یکم، برداشت‌های اثباتی که خود شامل نظریه‌های زیستی و نظریه‌های رفتاری هستند و دوم، برداشت‌های روانکاوانه از کژرفتاری. فصل هفتم به برداشت‌های جامعه‌شناختی اختصاص یافته است. در این فصل، انواع نظریه‌های جامعه‌شناسی، از نظریه‌های اثباتی گرفته تا نظریه بی‌هنجاری دور کم و نظریه‌های انتقال فرهنگی و حمایت گروهی، نظریه‌های برچسب اجتماعی، نظریه‌های درون‌فهمی و پدیدارشناسی کژرفتاری و نیز انواع نظریه‌های کشاکش اجتماعی را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و به نقد آنها پرداخته‌اند.

منظور دکتر اشرف از گرد آوردن گفتارهای سه‌گانه در زمینه مسائل نظری، نابرابری‌های طبقاتی و علل کژرفتاری این بوده است که همبستگی پدیده‌های نظری و عملی در این زمینه‌ها برای دانشجویان روشن شود. در خصوص رابطه گفتار نخست با گفتار سوم که به گونه‌ای سراسر با آسیب‌شناسی اجتماعی بستگی دارند جای گفت‌وگو نیست. با این همه، این پرسش بجاست که چرا گفتار دوم درباره نابرابری‌های طبقاتی را با گفتارهای آسیب‌شناسی در یک جا گرد آورده‌اند. به نظر ایشان، آوردن گفتاری درباره نابرابری‌های طبقاتی و فرهنگ فقر برای این بوده است

که دانشجویان با برخی از مهم‌ترین مسائل انسانی آشنا شوند که به نوبه خود سبب اساسی بسیاری از مشکلات و کژرفتاری‌های اجتماعی هستند. بدین معنی که به نظر ایشان، آشنا بودن با نظریه‌های نابرابری‌های اجتماعی درک و فهم تجزیه و تحلیل‌ها و نقد و انتقادهای نظریه‌های گوناگون روان‌شناختی و جامعه‌شناختی کژرفتاری را برای دانشجویان آسان می‌سازد.

در روزهایی که مشغول تهیه این مطالب بودم، با یکی از استادان مددکاری اجتماعی، دکتر عبدالعظیم هاشمی نیک-که از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ جزو شاگردان دکتر احمد اشرف بودند و کماکان از ارادتمندان او هستند-تماس گرفتم و گفتم که مشغول نوشتن مطلبی درباره دکتر احمد اشرف هستم. ایشان گفتند: "از قول من بنویسید که استاد احمد اشرف محبوب‌ترین و باسوادترین استاد دوران تحصیل ما بودند و آنچه ما در جامعه‌شناسی آموختیم از ایشان بود." بعد ادامه دادند که "استاد احمد اشرف دانش جامعه‌شناسی ما را خیلی قوی پایه‌ریزی کردند. غیر از جامعه‌شناسی، اخلاق معلمی را هم از او آموختیم. ایشان الگوی شخصیت و رفتار ما شدند، هم در علم‌آموزی و هم در خدمت به جامعه." و اضافه کردند: "اگر بخواهم چند استاد بزرگ جامعه‌شناسی در ایران را نام ببرم، بعد از دکتر غلامحسین صدیقی، دکتر احمد اشرف است و دکتر غلامعباس توسلی."

در پایان باید گفت که توسعه و هویت‌یابی حرفه مددکاری اجتماعی مدیون خدمات ارزشمند دکتر احمد اشرف به این حرفه بوده است.

ایران نامه

فصلنامه

ایران شناسی

سال ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹/۲۰۲۰

ویژهنامه استاد شیرین بیانی

